

چه از لحاظ مبانی فکری با آن چه یکصد و اندی سال پیش موجب و موجب نهضت مشروطه شد سنخیت فراوان دارد. ولی در واقع حرکتی است به مراتب متفاوت از آن. آن چه در آن دوره بیشتر به صورت یک اقتراح، طبع آزمایی این رجل دلسوخته و آن مصلح خیرخواه مطرح شد و نظر به التهابات اجتماعی و سیاسی وقت، بی آن که فرصت تدقیق و تعمیق یابد، زمینه ساز یک حرکت گسترده سیاسی شد که شتاب حاصل از آن آن تحولات کشور را تا بیش از یکصد سال دیگر نیز شکل داد. ولی اینک همان اصول و عقاید، همان خواست اصلاح طلبی، اما در وضعیتی به کلی متفاوت از پیش، چرخشی دیگر را آغاز کرده است.

تفاوت کار بسیار است؛ اینک جامعه ایران برخلاف عصر ناصری، جامعه ای است اساساً شهرنشین و برخوردار از یک طبقه متوسط گسترده و تحصیل کرده ... علاوه بر این - و تا بدان جایی که به این یادداشت مربوط می شود - در تلاش حاکمیت قانون و تحقق آمال نهفته در رساله یک کلمه، اجرا و اعمال قانون اساسی و متمم آن ... از یک تجربه گرانیهای تاریخی نیز برخوردار است. اکنون این خواسته کلی و فراگیر خود را به صورت مجموعه منسجمی می نمایاند از یک رشته داده های دقیق و مشخص و الزامات اجتماعی و سیاسی صریحی که به دنبال دارند.

اینک کاملاً می توان امیدوار بود که مین بعد نه فقط ترور چهره های کارسازی چون سعید حجاریان، گنه اصولاً هر گونه عمل تروریستی به هر عنوان و بهانه ای، بدون اندک تردید و تأملی در پیشگاه افکار عمومی جامعه محکوم تلقی گردد.

یک چنین اعراض صریحی از تروریسم، لاجرم رویکرد ما به پیشینه تاریخی تروریسم را نیز تحت تأثیر خواهد داشت. دیگر فقط ترور میرزاده عشقی و محمد مسعود و دیگر چهره های "خودی" تاریخ معاصر مذموم و ناپسند نیست، هر نوع عملی در این ردیف مغایر قانون، و هذا محکوم و مردود خواهد بود.



کاوه بیات

حجاریان و توسعه سیاسی

ترور پایان سیاست است در عرصه سیاست داخلی - همچنان که جنگ در عرصه سیاست خارجی، ترور راهی است برای بستن باب سیاست و گشودن باب خشونت. و از این میان چه سربرمی آورد؟ جامعه ای منشئت و منشج و ملتهب و بی سامان. جامعه ای که دیگر خرد و سیاست در آن موازنه را برقرار نمی سازند و نیروهای تعیین

کننده می‌شوند که زور بیشتری داشته باشند. و آن‌گاه راه برای زورورزی گشوده می‌شود و نه برای خردورزی و سیاست‌مداری و حل مشکلات.

هم و غم سعید حجاریان تأسیس فضای سیاسی و فراخ‌تر کردن عرصه سیاست بوده است و سعی دارد این کار را از طریق نقد رفتارهای سیاسی و تلاش برای مستقر کردن یک نظم سیاسی (حزب) و ساخته شدن نهادهای سیاسی انجام دهد.

عمده نوشته‌های سعید حجاریان حول محور نقد و سنجش رفتارهای انتخاباتی - در انتخابات مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان، ریاست جمهوری و شوراهای اسلامی - نقد روش‌ها و بایستگی‌های دولت‌سازی، و یافتن منطق و وجوه مشترک جمهوریت و اسلامیت و تقابل‌های مردم‌سالاری و یک‌سالاری و انطباق آن با نهادهای مستقر در جمهوری اسلامی ایران و ارکان نظام جمهوری اسلامی شکل گرفته



است. شکافتن جنبه‌های حقوقی قانون اساسی و ربط آن با نهادها و فعالیت‌های سیاسی و تأثیرشان بر عرصه/ فضای سیاسی از دیگر مضامین مورد بحث وی است. او طرفدار دموکراسی مرحله‌ای و پله‌پله طی کردن راه گشایش فضای سیاسی است (آن‌چه در گفتار او به "فتح سنگر به سنگر" متجلی شده بود). و طرفدار ساختن نهادهای پایینی دموکراتیک (نهادهای جامعه مدنی)، گسترش فضای سیاسی/ عرصه سیاست و کاستن از تصدی دولت (شوراهای اسلامی) و نظم بخشیدن به سامان سیاسی (تشکیل احزاب) است و این همه را الزامات و لوازم "توسعه سیاسی" می‌داند.

پس از انتخابات مجلس ششم و پیروزی اصلاح‌طلبان او هم خود را صرف تشکیل فراکسیون حزبی (حزب مشارکت) کرده است و دست در کار سامان بخشیدن به الزامات تشکیل این فراکسیون بود. ادامه فعالیت‌های او در شورای شهر تهران حاکی از اعتقادانش به تحکیم پایه‌های دموکراسی و تقویت نهادهای دموکراتیک بیرون از فضا/ عرصه سیاسی دولتی است.

هر اراده‌ای در پس ترور حجاریان نهفته باشد نتیجه عملش - یا دست کم سعی‌اش - ممانعت از گسترش عرصه سیاست و تأسیس فضای سیاسی در ایران بوده است. تاکنون موانع آزموده بر سر راه

تأسیس و گسترش عرصه سیاست اقدام خارج از چارچوب‌های متعین حقوقی، اصالت دادن به ایدئولوژی و برخورد‌های ایدئولوژیک، اولویت دادن به مسئله اقتصاد و برخورد‌های شخصی بوده است. حال آن‌که عرصه سیاست یا فضای سیاسی عرصه‌ای است مشاع و هرکس می‌تواند به قدر سهم و همت خود از آن بهره گیرد و در آن انتفاع حاصل کند و اگر جز این باشد "انسان گرگ انسان خواهد بود."

سعید حجاریان قربانی کوشش خود در این راه و درک لوازم و الزامات آن است. ترور حجاریان قبل از هر چیز بیانگر وجود اراده یا اراده‌هایی است برای مسدود نگاه داشتن فضا/ عرصه سیاسی و بستن باب سیاست که نتیجه‌ای جز حل مسائل و مشکلات اجتماعی از طرق غیر سیاسی و قهرآمیز و خشن نخواهد داشت. نتیجه‌ای که نه به نفع نیروهای سیاسی موجود است و نه به نفع آحاد این ملت.

رامین کریمیان

گفتگو ۱۳۸

خانوادگی و فردی یا آن روبرو هستند، یا ناشی از قوانین محدود‌کننده و تبعیض‌آمیز مدون می‌بینند یا برخاسته از قوانین غیرمدون یعنی همان عرف جامعه. به کرات دیده‌ایم بسیاری از مسائل زنان که ریشه در عرف دارند اگرچه در خاموشی باقی می‌مانند و کمتر آشکار می‌شوند، اما دارای قدرت و قطعیتی انکارناپذیرند.

برخی از این مسائل که در درون جامعه ما پنهان مانده‌اند هر چند ممکن است از حیث حقوقی در بحث‌های تخصصی و آن هم به طور ضمنی مورد بررسی قرار گیرند، اما به محض عینی شدن و یا به تصویر درآوردن آن‌ها، بازتاب گسترده و آشکاری در جامعه پیدا می‌کنند. این بازتاب گسترده نشان از این دارد که نه تنها این مسئله از لحاظ اجتماعی هنوز برای افرادی از جامعه به قوت خود باقی است بلکه باب بحث کارشناسانه‌ای نیز برای حل و فصل آن باز نشده است؛ و به نظر می‌رسد با عینی شدن آن در فیلم یا سایر شبیه‌سازی‌ها، حرف‌ها و انتقادات فرصت می‌یابند که از بطن جامعه سربرآورند و خواهان بررسی حقوقی دقیق‌تری برای حل آن باشند. مصداق این امر، بازتاب وسیعی بود که فیلم شوکران ساخته بهروز افخمی یافت. این فیلم به یکی از معضلات جامعه امروز ما اشاره دارد که بسیاری از تحقیقات و نقدهای جاری در زمینه

شوکران

در نتیجه سال‌ها مبارزه در راه دستیابی به حقوق خود، زنان مسائلی را که هم در زمینه اجتماعی- سیاسی و هم در زمینه